

ارائه شده توسط

لینگو لرن | Lingo Learn

برترین ارائه دهنده خدمات کمک آموزشی کانون زبان شامل: سوال و
سامری، دیکشنری کانون، آموزش های رایگان و کاربردی و...

 LingoLearn_official

 LingoLearn

{هرگونه کپی برداری بدون ذکر نام صاحب اثر شرعا و قانونا حرام و قابل پیگیری می باشد.}

Advance1

Unit2

The education gender **gap**

شکاف جنسیتی در آموزش

A Research into **gender** differences in education has **tended** to focus on the poor performance of girls in science and math, **virtually** ignoring the low **achievement** of boys in reading and writing. According to Cecilia Reynolds, from the Ontario **Institute** for Studies in Education, it has long been recognized that girls did well as if that wasn't bad enough, recent testing has shown for the first time that the performance gap that once existed between boys and girls in science and math has now almost disappeared too.

تحقیقات راجع به تفاوت های جنسیتی در آموزش بر عملکرد ضعیف دختران در علوم و ریاضی تمرکز داشته و عملاً دستاورد ناچیز پسران در خواندن و نوشتن را نادیده گرفته است. طبق گفته ی سسیلیا رینولدز، از موسسه ی مطالعات درباره ی آموزش انتاریو، مدتهاست که تشخیص داده شده است دختران خوب عمل می کنند، انگار که به اندازه ی کافی بد نبود، تست های اخیر برای اولین بار نشان داده اند که شکافی که قبلاً بین عملکرد دختران و پسران در علوم و ریاضی وجود داشت تقریباً از بین رفته است.

Some experts even **predict** that at some time in the future, girls may actually

move in **literacy** and that boys did not, but there was no great **concern** about this because in the real world, boys were still going on to get better jobs and salaries. However, a 2004 study by the Council of Ministers of Education found that Canadian girls are **outperforming** boys in literacy skills by a wider **margin** than previously thought. Among thirteen-year-olds, about ten percent more girls than boys meet expected **targets** for literacy, and among sixteen year-olds, about seventeen percent more girls write at an age-appropriate level **ahead** of boys in science.

حتی برخی از متخصصان پیشبینی می کنند که در آینده ی نزدیک، دختران از پسران در علم نوشتار جلو بزنند، ولی این موضوع نگرانی خاصی ایجاد نکرد چرا که در واقعیت قرار بود پسران کماکان شغل ها و درآمدهای بهتری داشته باشند. با این حال، یک مطالعه توسط شورای وزیران آموزش در سال ۲۰۰۴ کشف کرد که دختران کانادایی بسیار بیشتر از آنچه تصور می شد نسبت به پسران سواد خواندن و نوشتن بیشتری دارند. در میان نوجوانان سیزده ساله، دختران تقریبا ۱۰ درصد بیشتر از پسران نمره ی خوبی در خواندن و نوشتن را کسب می کنند و در میان نوجوانان شانزده ساله، دختران تقریبا ۱۷ درصد بیشتر از پسران، متناسب با سن شان دانش دارند.

According to Paul Cappon, Director General of the Council of Ministers of Education, one of the consequences of this will be to put girls in the lead in relation both to university entrance and to achievement in the **labor market**. Already, only forty-two percent of university graduates in Canada are male. and that number is **dropping** each year.

طبق گفته ی پائول کاپن، مدیر کل شورای وزیران آموزش، یکی از پیامدهای این اتفاق، پیشی گرفتن دختران در ورود به دانشگاه و همچنین موفقیت در بازار کار است. هم اکنون تنها ۴۲ درصد

از فارغ التحصیلان دانشگاهی کانادا مرد هستند و این رقم هر ساله رو به کاهش است .

While experts agree that now is the time to focus on the **long-standing** gender divide in literacy, their explanations for it, and their solutions, **vary** widely. In a culture that favors equal opportunity and **advocates political correctness**, some have found it difficult to discuss this troubling gender gap without entering into the **touchy domain** of sexism.

با اینکه متخصصان بروی اینکه هم اکنون زمان تمرکز روی شکاف جنسیتی در سواد خواندن و نوشتن است ، توافق دارند ، توضیحات و راه حله ای آنها برای این مسئله بسیار با هم متفاوت است . در فرهنگی که هوادار فرصت برابر بین همه بوده و مدافع رعایت آداب و نزاکت سیاسی است، برای عده ای بحث راجع به این شکاف جنسیتی نگران کننده ، بدون ورود به حوزه ی حساس تبعیض جنسیتی سخت بوده است .

Some educators have put the blame directly on **policy** and its **implementation** by women teachers, saying that since educational practice has aimed at improving the performance of girls, boys have been forgotten. Cecilia Revnolds has warned that it is important to **address** any differences between boys and girls without **assigning** blame. **Nevertheless**, although she doesn't believe boys were forgotten, she does admit that insufficient attention may have been paid to their different learning needs.

برخی از معلمان مستقیماً تقصیر را گردن سیاست و نحوه ی پیاده سازی آن توسط معلمان زنان انداخته و می گویند که از آنجا که هدف آموزش بهبود عملکرد دختران بوده است، پسران فراموش شده اند . سسیلیا رینولدز اهمیت در نظر گرفتن تفاوت های بین پسران و دختران را بدون انداختن

تقصیر به گردن همدیگر ، تذکر داده است . به هر حال ، با اینکه او فراموش شدن پسران را قبول ندارد ، اما اعتراف می کند که به نیازهای یادگیری متفاوت پسران ، کم توجهی شده است .

Others have pointed to a more **subtle** cause, to what Paul Cappon has called the "**feminization**" of education. Increasingly, teaching is becoming **dominated** by females as more young women enter the **profession** and more older men retire, he says. That leaves boys with few male role models in the classroom, "It's women doing the teaching. Boys in the socialization process will tend to **discount** the importance of that **particular** subject **area** when it's only women teaching it." he suggests.

برخی به دلیل نامحسوسی که پائول کاپون آنرا « زنانه سازی » آموزش خوانده ، اشاره کرده اند . کاپون می گوید : « با ورود بیشتر زنان جوان به شغل آموزش و بازنشستگی مردان مسن تر در این شغل ، آموزش به طور روز افزونی در حال تحت سلطه قرار گرفتن توسط زنان است . این باعث می شود که پسران در کلاس ، الگوهای رفتاری کمتری داشته باشند . » او می گوید : « این زنان هستند که تدریس می کنند . وقتی که فقط زنان یک موضوعی را آموزش بدهند ، پسران در فرآیند اجتماعی شدن ، اهمیت آن موضوع را نادیده می گیرند (چون زن تدریس می کنه به درس اهمیتی نمی دن) . »

Cappon also thinks the kinds of reading materials available in schools may be better **suited** to girls than boys As he points out, the current **wisdom** is that boys reading preferences include **factual** and instructional materials that will help them understand particular areas of interest, **whereas** girls are attracted to stories that explore interpersonal relationships.

کاپون همچنین فکر می کند که برخی مطالب خواندنی ای که در مدارس موجود است ، بیشتر مناسب دختران است تا پسران . همانطور که او به آن اشاره می کند ، خرد فعلی اینست که پسران تمایل به خواندن مطالب واقعی و عملی و آموزشی دارند که به آنها برای فهم زمینه ی مورد علاقه شان کمک می کند ، در حالی که دختران به داستانهایی که روابط بین افراد را بررسی می کنند ، جذب می شوند .

Since there is now **concrete evidence** of a significant gender divide, there is a growing body of opinion which argues that the only way to ensure **equitable** treatment of boys and girls is to **segregate** them. Some schools have used this **tactic** to improve girls' performance in science and math, but with the latest emphasis on literacy and boys, some now say full separation is the only solution. Leonard Sax, the founder of an organization **promoting** single-sex education, points to the success of an **inner-city** school in Montreal which introduced single-sex classrooms five years ago.

از آنجا که هم اکنون مدارک محکمی از وجود یک شکاف جنسیتی قابل توجه موجود هست ، عده ای که تعدادشان نیز در حال افزایش است ، عقیده دارند که تنها راه حصول اطمینان از رفتار منصفانه با پسران و دختران جدایی آنهاست . بعضی از مدارس از این روش برای بهبود عملکرد دختران در علوم و ریاضی استفاده کرده اند ، ولی با توجه به تاکید اخیر روی سواد خواندن و نوشتن پسران ، برخی می گویند ، جداسازی کامل دختران و پسران تنها راه حل است . لئونارد ساکس بنیان گذار یک سازمان مروج آموزش تک جنسیتی ، به موفقیت یک مدرسه ی درون شهری در شهر مونترال اشاره می کند که پنج سال پیش کلاس تک جنسیتی را معرفی کرد .

Since then, absenteeism has dropped and the rate of students going on to college

has nearly doubled. Sax, a family doctor and a psychologist, believes that many people in education are paralyzed by a feeling that it's politically incorrect to talk about **innate** differences in the ways boys and girls learn. He argues, however, that genetic differences between boys and girls mean that it's impossible for them both to learn successfully in the same classroom. According to Sax, every **substantial** choice made in schools benefits one gender and disadvantages another.

از آن زمان به بعد ، غیبت‌های غیرموجه کاهش یافته و نرخ ورود به دانشگاه تقریباً دو برابر شده است . سکس که یک دکتر خانواده و روانشناس است ، معتقد است که بسیاری از افراد به دلیل اینکه حس می‌کنند که صحبت راجع به تفاوت‌های ذاتی روش‌های یادگیری دختران و پسران از نظر سیاسی نادرست است ، کاری از دستشان بر نمی‌آید . با این حال او استدلال می‌کند که تفاوت‌های عمومی بین دختران پسران به این معنی است که نمی‌توان هر دو را در یک کلاس به صورت موفقیت آمیز آموزش داد . طبق نظر سکس ، هر تصمیم مهم در مدرسه به نفع یک جنس و به ضرر دیگری است .

As an example, he claims that girls hear better than boys and that part of the reason for boys falling behind is simply that they can't hear the teacher. He also points to research which shows that there are key differences in the way boys and girls respond to **confrontation**. Girls **shrink away** from a confrontational teaching style under which many boys would **thrive**.

به عنوان مثال ، او ادعا می‌کند که شنوایی دختران بهتر از پسران است و یکی از دلایلی که پسران عقب می‌افتند اینست که صرفاً صدای معلم را نمی‌شنوند . او همچنین به یک پژوهش اشاره می‌کند که تفاوت‌های کلیدی بین نحوه ی برخورد دختران و پسران با تقابل را نشان می‌دهد . دختران از سبک تدریس مقابله ای فرار می‌کنند در حالی پسران تحت این روش پیشرفت خواهند کرد .

What policy makers ultimately decide to do may depend on how far the results of the recent study are judged to be an **accurate** reflection of the general situation. Cecilia Reynolds emphasizes that gender differences are **statistical**, with significant numbers of individuals everywhere not following the general **trend**.

آنچه سیاست گذاران در نهایت تصمیم به انجام آن می گیرند ممکن است به این که نتایج مطالعه اخیر تا چه اندازه بازتابی دقیق از وضعیت کلی است بستگی داشته باشد. سسیلیا رینولدز تاکید می کند که تفاوت های جنسیتی یک موضوع آماری بوده و تعداد زیادی از افراد از روند کلی پیروی نمی کنند.

Although she does not believe we should be seriously concerned, she does think that in future, parents and teachers will need to pay more attention to what is happening to boys both at home and in the classroom.

اگر چه او معتقد است که نیازی به نگرانی شدید نیست ، ولی باور دارد که در آینده ، والدین و معلمان باید توجه بیشتری نسبت اتفاقاتی که برای پسران در خانه و مدرسه می افتد داشته باشند.

New word: English explanation / معنی فارسی

Gap: a space or opening made by or as if by breaking or separating/ رخنه، شکاف

Gender: the sex of a person or animal/ نوع، جنس

Tend: to have an inclination or disposition to behave in a certain way or display a certain characteristic; be inclined/ متمایل بودن به، گرایش داشتن

Virtually: practically; almost completely; very nearly/ تقریبا، کمابیش، عملا

Achievement: something successfully carried through, esp. through bold or brave action or thought/ انجام، موفقیت، پیروزی

Institute: to establish or set in operation/ انجمن، بنیاد، فرمان، بنگاه، موسسه

Predict: to see or proclaim in advance (a future unplanned event); prophesy; foretell/ پیش گویی کردن، پیش بینی کردن

Literacy: the state of being literate, esp. of having the ability to read or write/ سواد

خواندن و نوشتن

Concern: to relate to or be about; affect/ بستگی، پروا، ربط، علاقه، مربوط بودن به

Outperforming: Achieve better results than sb or sth, surpass, exceed/ با عملکرد

بهرتر

Margin: an edge and the border area near it/ کنار، حد، حاشیه، لبه

Target: an object or mark at which missiles, such as bullets, arrows, or bombs, are fired or directed/ سامان، هدف، نشان

Ahead: in front of; in advance of/ در امتداد حرکت کسی، روبجلو

Labor market: the availability of employment and labour, in terms of supply and demand/ بازار نیروی کار، عرضه و تقاضای نیروی کار

Dropping: let or make (something) fall vertically/ قطره، سقوط، افتادن

Long-standing: existing or having existed for a long time/ از مدت ها پیش، از دیر گاه

Vary: to change; alter; modify/ تغییر دادن، عوض کردن، دگرگون کردن

Correctness: the quality or state of being free from error; accuracy/ صحت، درستی

Advocate: to urge support or acceptance of/ طرفدار، مدافع، وکیل مدافع

Political: relating to, or concerned with the theory or practice of politics/ با

سیاست، سیاسی

Touchy: easily irritated or offended; sensitive/ حساس، تند مزاج، زود رنج

Domain: someone's domain is the area where they have control or influence; a formal word/ حوزه، دامنه، قلمرو

Policy: a set of principles that is used as a guide for action, esp. in a government or business/ سیاست، خط مشی، سیاستمداری

Implementation: the act, process, or way of carrying (something) out or putting (something) into effect/ اجرا، انجام

Address: a formal speech, lecture, or other communication/ نشانی، خطاب، ادرس

Assigning: to set apart for a particular use or for use by a particular person/ واگذار

کردن، اختصاص دادن

Nevertheless: however; in spite of that/ هنوز، ضمناً

Subtle: difficult to detect or define; elusive or ambiguous/ دقیق، زیرک

Feminization: to give a (more) feminine, effeminate, or womanly quality or appearance to/ زنانه سازی

Dominate: control, rule, command/ تسلط داشتن، چیره شدن، حکمفرما بودن

Profession: an occupation or career requiring advanced training or study/ اقرار،

اعتراف، حرفه

Discount: disregard, ignore; reduce the price of, mark down/ تخفیف، نزول

Particular: of or pertaining to a single person, thing, or event and only to that

single person, thing, or event/ خصوصیات، تک، خصوصی

Area: a place or region/ حوزه، ناحیه، منطقه

Suit: a set of clothes consisting of a jacket and trousers or a skirt, usu. made of the same material and color/ خواستگاری کردن، مناسب بودن، درخواست

Wisdom: the state of being wise/ معرفت، خرد، حکمت

Factual: of or relating to fact/ واقعی، عملی

Whereas: while in contrast/ در حقیقت، چون، از انجائیکه

Concrete: existing as something solid or tangible; actual; real/ بهم چسبیده، بهم

پیوستن

Evidence: the basis for belief; that which constitutes proof of something/ گواهی،

شهادت، مدرک

Equitable: evenhanded, fair, fair-minded, honest, impartial, just, unprejudiced/

منصف، متساوی

Segregate: to separate or place apart from others or from the majority of a group, people, or the like; isolate/ جدا سازی، جدا

Tactic: a plan or method for achieving a goal; maneuver/ شگرد، تاکتیک یا رزم ارایی

Promote: to support the existence, growth, or advance of/ ترویج کردن، ترفیع دادن

Inner-city: the neighborhoods in or closest to the center of a city, usu. old, run-down, and inhabited by poor and disadvantaged people/ بخش مرکزی شهر

Innate: belonging to or existing in someone or some organism from the time of birth; inborn/ ذاتی، داخلی، طبیعی

Substantial: having physical substance; solid; concrete/ با وقار، مهم، ذاتی

Confrontation: the act of confronting, or the state of being confronted by another/ مقابله

Shrink away: If you shrink away from someone or something, you move away

from them because you are frightened, shocked, or disgusted by them/ دور شدن،

دوری کردن

Thrive: to progress well or succeed; prosper/ پیشرفت کردن، موفق شدن

Accurate: free of mistakes or error/ دقیق، صحیح، درست

Statistical: concerning, or using statistics or the types of mathematical analyses that provide numerical information of a type that allows testing of a hypothesis/

آمار، وابسته به آمار

Trend: a general course, direction, or tendency/ تمایل، گرایش

New Word	Synonym	Antonym
Gap	aperture, breach, chasm	
Gender	sex	
Tend	incline	
Virtually	almost, practically	
Achievement	accomplishment, attainment, coup, deed, effort, exploit, feat, tour de force	failure
Institute	establish, found, start	abrogate
Predict	foretell, presage	
Concern	affect, involve, touch	
Margin	border, frame, periphery, rim	
Target	mark	
Ahead	early	after, behind
Long-standing	enduring, lasting, long-lived	new
Vary	alter, change	

Advocate	champion, endorse, recommend	impugn, oppose
Political	public	
Touchy	huffy, irritable, sensitive, testy, thin-skinned	thick-skinned
Policy	means, platform	
Address	lecture, oration	
Assigning	allocate	
Nevertheless	all the same, anyhow	
Subtle	elusive, fine	broad, dominant, dramatic
Profession	career, occupation	
Particular	single, specific	general
Area	locale	
Wisdom	sapience	
Factual	actual, faithful, literal	fictitious
Concrete	actual, real, substantive	abstract, imaginary, intangible

Evidence	demonstration, proof	
Equitable	evenhanded, fair, fair-minded	discriminatory, inequitable
Segregate	isolate, separate	
Tactic	design, maneuver, ploy	
Promote	cultivate, encourage, forward, foster, further	hinder, obstruct
Innate	inborn, inherent, native	acquired
Substantial	concrete, physical	ethereal, insubstantial
Thrive	boom, flourish, prosper	languish
Accurate	correct, exact, flawless, perfect, precise	erroneous, inaccurate
Trend	bent, course, current, direction	